

سده تاریخ قرن خون آلود!

ای مورخ!

بدترین واژه های نفرت را

از لغت نامه بگیر و بده

شرح دوران گران دنیا را

شرح آنها که ما برنده گور

لعنت نسل های فردارا ...

من برای تو شعر می گویم

تو که سازنده جهان هستی

تو که پرگوشه زمین باغی

کنی آینه جهان هستی.

x x x

۲۱۰

لندن. دسامبر ۱۹۸۳

من برای تو شعر می گویم

تو که صد هزار انسانی

تو که با هر خود برافزیدی

شعل واژه های شعوم را

گر بنویسی تو بگفته گاه دل

من چه آوازه بدم و تنها!

آسان را و اخترانش را

دست فروزه قام پرالماس

ماه و خورشید و ککانش را

دوران فضا های بی کوانش را

من برای تو دعوت می دارم

تو که صد هزار انسانی

تج دریا و صبح صحرارا

چهره های نجیب زینا را

روح روغنگو تو انا را

هر چه لغت بود در این دنیا

و آنچه خوشبخت ما کند مارا

من برای تو دست خواهم

که هزاران هزار انسانند

دست آمان که نشسته هر دست

حلقه های طلائی **پیمان**

ما به هم می دسیم و می گویم

که برانیم صفت را از جهان

(پیمان)

من برای تو شعر می گویم
 تو که صده هزار انسانی
 تو که با هر خود بر افروزی
 مثل دلازه امرا ستم را
 مگر نبودی تو بگفته گاه دلم
 من چه دلازه بودم و تنها !
 آسمان را و اخترانش را
 دلت فروزه نام برالاس
 ماه و خورشید و کهکشان را
 و آن فضا می بی گزانش را
 من برای تو حوت می دارم
 تو که صده هزار انسانی
 شب دریا و صبح صحرا را
 چهره ای نجیب زینا را
 روح روشنگر توانا را
 پرچم نعت بود دران دنیا
 و آنچه خوشت می کند ما را
 من برای تو دست خدایم
 که هزاران هزار انسانند
 دست های که نشسته هر دست
 حلقه های طلائی میان

ما بی هم می دسیم دما کوسیم
 که برانیم جنگ راز جهان

شده تاریخ قرن خون آلود
 ای مورخ!

(بدترین) ~~شده~~ ترن دلازه ای نعت را

لذت نامه بگیرد بده

(ویران گزالی) شرح ویرانگون دنیا را

شرح آنها که می برند به گور

لعنت ندای فر دارا ...

من برای تو صلح می فرامم

تو که سازنده جهان هستی

تو که هر گوشه زمین باشی

کنگر آئنده جهان هستی

x x x

رام